

مقایسه بین نسلی گذارهای شغلی و خانوادگی جوانان و عوامل مؤثر بر آنها (مورد مطالعه متولدین ۱۳۳۳ و ۱۳۶۳ شهرستان دهگلان)^۱

علی اکبر تاج مزینانی (استادیار گروه تعاون و رفاه اجتماعی، دانشگاه علامه طباطبائی، تهران، ایران، نویسنده مسئول)

atmazinani@yahoo.com

اسعدخانی (کارشناسی ارشد برنامه‌ریزی رفاه اجتماعی، دانشگاه علامه طباطبائی، تهران، ایران)

khani.asaad@gmail.com

چکیده

مقاله حاضر نحوه تجربه‌کردن گذارهای شغلی و خانوادگی در بین دو نسل سنی (متولدین ۶۳ و ۳۳) در شهرستان دهگلان را با هم مقایسه کرده و همچنین، نقش قابلیت‌های فردی و عوامل ساختاری در گذارهای دو نسل را بررسی می‌کند. مبنای طرح فرضیه‌های این پژوهش، نظریه‌های پسامدرنیته در باب جوانی، فردگرایی ساخت‌یافته و نظریه کاهش عدم قطعیت‌ها بوده است. روش پژوهش حاضر، پیمایش بوده و برای جمع‌آوری داده‌ها با طراحی پرسش‌نامه‌ای با ۳۱۷ نفر مصاحبه شد. یافته‌ها حاکی از آن است که نسل امروزه جوانان، گذارها را همانند نسل گذشته و به صورت وقایع استاندارد، محدودشده و قابل انتظار صورت نمی‌دهند؛ بلکه گذارها، متنوع‌تر، طولانی‌تر و غیر قابل پیش‌بینی شده‌اند. همچنین، نتایج تحلیل رگرسیون نشان داد که ۵۵/۷ درصد تغییرات گذار شغلی متولدین ۶۳ با پنج متغیر جنسیت، حمایت خانواده، رسانه‌ها، مذهب و تحصیلات و ۵۸/۸ درصد از تغییرات گذار به ازدواج این نسل با پنج متغیر جنسیت، تحصیلات، رسانه‌ها، سن و پایگاه اجتماعی-اقتصادی، تبیین می‌شوند. این در حالی است که ۱۶ درصد از تغییرات گذار شغلی متولدین ۳۳ با تنها عامل حمایت خانواده و ۴۸/۱ درصد از تغییرات گذار به ازدواج آن‌ها با چهار عامل جنسیت، مذهب، آداب‌ورسوم و سن، پیش‌بینی

۱. این مقاله برگرفته از بخشی از یافته‌های پایان‌نامه‌ی کارشناسی ارشد تحت همین عنوان است

می شوند. نتایج این پژوهش دلالت بر آن دارد که نسل جدید از یک طرف خواهان عملیاتی کردن عاملیت ناب و از طرفی در بند محدودیت‌های ساختی هستند، به همین دلیل مسیرهای پیشروی خود را پر از آشفتگی می‌بینند.

کلیدواژه‌ها: گذار به بزرگ‌سالی، عاملیت، عوامل ساختاری، گذارهای شغلی و

خانوادگی.

۱. مقدمه و بیان مسأله

دیدگاه‌های مختلف بر این موضوع اتفاق نظر دارند که نمی‌توان نقطه ثابت و مرزبندی مشخصی را برای ورود به بزرگ‌سالی در نظر گرفت (ذکائی، ۱۳۸۱، ص. ۴)؛ اما مباحث راجع به گذار جوانان گویای این واقعیت است که بزرگ‌سالی موقعیتی فرض می‌شود که فرد جوان یا در آستانه رسیدن به آن است یا آرزو دارد که به چنین موقعیتی برسد (مایلز، ۲۰۰۰، ص. ۱۷۶). عموماً جوانان در مسیر حرکت به سمت بزرگ‌سالی از منازل و مراحل مهمی عبور می‌کنند که به تغییرات در احوال و حوزه‌های مختلف زندگی اشاره دارند؛ برای مثال، جامعه‌شناسان در این زمینه به گذارهای برجسته‌ای هم‌چون «گذار به اشتغال یا کار»، «گذار خانوادگی یا گذار به ازدواج»^۳ و «گذار مسکن»^۴ اشاره می‌کنند (کولز، ۱۳۹۱، ص. ۲۷۶). این جنبه از مفهوم گذار ناظر بر تغییر نقش بوده و می‌توان گذار را از زاویه دیگری نگریست و آن استنتاج تغییرات ارزشی بین‌نسلی از این واژه است. یا به قول ذکائی (۱۳۹۰) گذار علاوه بر آن که حرکتی از جوانی به بزرگ‌سالی است، به عنوان فرآیندی برای بازآفرینی فرهنگی تعریف می‌شود؛ به عبارتی، در اولویت‌های ارزشی جوانان معاصر نسبت به هم‌قطاران گذشته آن‌ها تغییراتی به وجود آمده است، همان تغییراتی که اینگلهارت (۱۹۹۰) آن را

-
1. Miles Steven
 2. transition to employment
 3. the domestic transition or transition to Marriage
 4. the housing transition

به‌خوبی تئوریزه کرده است و تومانوویچ^۱ و ایگناتوویچ^۲ معتقدند که این تغییرات در الگوهای اشتغال، شکل خانواده و هویت جنسی جوانان صورت گرفته است (تومانوویچ و ایگناتوویچ، ۲۰۰۶، ص. ۵۶).

به نظر می‌رسد امروزه مشکلات و موانع زیادی سر راه اشتغال و ازدواج جوانان ایرانی قرار دارد. کسانی که ترک تحصیل زودهنگام داشته و یا تحصیلات دانشگاهی ندارند زودتر وارد بازار کار می‌شوند؛ اما ممکن است برخی به مشاغل پست و موقتی روی بیاورند که نه احساس رضایت آن‌ها را فراهم آورد و نه فرصت تشکیل خانواده را بهبود ببخشد و اگر اقلیتی از این گروه به مشاغل پردرآمد دسترسی پیدا کنند، احتمالاً حسرت از دست‌دادن فرصت ادامه تحصیل را در دل دارند. آن سوی میدان جوانان با تحصیلات دانشگاهی پس از فراغت از تحصیل یا به دلیل شرایط بد و آشفته بازار کار و یا وجود یک بازار کاری غیر قابل انعطاف (که اولویت را به ابقای نیروهای کاری مسن‌تر می‌دهد) مسیر دشوارتری در دسترسی به اشتغال دارند و به خاطر انتظارات ناشی از تحصیلات بالا حاضر به پذیرش هر نوع شغلی نمی‌شوند. این قشر از جوانان یا به ازدواج فکر نکرده و یا خیلی به‌اکراه تن به ازدواج می‌دهند. شهرستان دهگلان هم از این شرایط کلی حاکم مستثنی نیست. شواهد حاکی از آن است که بیکاری در این شهرستان از ۱۷ درصد در سال ۱۳۸۵ به ۲۲٫۲ درصد در سال ۱۳۹۰ رسیده است که در نتیجه بسیاری از جوانان به سمت شغل‌های کاذب گرایش پیدا کرده‌اند (دفتر آمار استانداری کردستان، ۱۳۹۰). همچنین، در سال ۹۰ متوسط سن ازدواج ۲۳ سال بوده که این میزان در سال ۹۳ به ۲۵٫۵ سال رسیده است (شبکه بهداشت و درمان شهرستان دهگلان، ۱۳۹۳). به دنبال این تغییرات با توجه به مشاهدات میدانی محقق اکثر این جوانان تا دست‌یابی به شغل مطمئن و تضمین و تأمین بهتر در خانه پدری ماندگار می‌شوند؛ حتی عده‌ای از زوج‌های جوان به دلیل دغدغه‌ها و ناامنی‌های اقتصادی و ترس از آینده، از

1. Smiljka Tomanovi

2. Suzana Ignjatovi

به دنیا آوردن فرزند امتناع می‌کنند و یا باروری را به تأخیر می‌اندازند. برای همین است که می‌بینیم تراکم باروری در سال ۱۳۸۵ در محدوده سنی ۲۰ تا ۲۹ سال بوده، در حالی که این آمار در سال ۱۳۹۰ محدوده ۲۵ تا ۳۴ سال است (دفتر آمار استانداری کردستان، ۱۳۹۰)؛ اما به هر حال افراد بسته به سلیقه، شرایط و امکانات در دسترس استراتژی‌های مختلف و متنوعی را برای رسیدن به این وقایع که در مسیر حرکت به بزرگسالی قرار دارند، به کار می‌گیرند. تحقیقات مختلف نشان داده‌اند برخلاف گذشته که نظم و توالی خاصی بر گذار جوانان حاکم بود و مسیر حرکت به بزرگسالی، مسیری کمابیش یکنواخت و قابل انتظار به شمار آمده و سبک‌های زندگی افراد در چهارچوب محدودی شکل می‌گرفت، در دوران کنونی این گذارها طولانی، برگشت‌پذیر، نامشخص و چندپاره بوده و جنبه خصوصی به خود گرفته‌اند. (تاج مزینانی، ۱۳۹۰؛ والاس و کواچوا، ۱۳۸۰؛ ذکائی، ۱۳۸۸؛ صالحی اصفهانی، ۲۰۱۰؛ فورلانگ، وودمن و وین ۲۰۱۱؛ سرائکت، ۲۰۱۱). پس یکی از دغدغه‌های پژوهش حاضر این است که نحوه سامان‌دهی گذارها را در بین دو نسل متولد ۱۳۶۳ و ۱۳۳۳ مقایسه کند و ببیند چه اولویت‌بندی بر گذارهای دو نسل مترتب است.

فرآیند گذار به عنوان یک سازه اجتماعی، با بستر اجتماعی واقع در آن ارتباط تنگاتنگی دارد (ذکائی، ۱۳۸۶)؛ به عبارتی، گرچه امروزه جوانان در مسیرهای مختلف زندگی، فرصت‌های متنوع‌تر و بیشتری را پیشرو دارند و به دنبال آن از آزادی انتخاب برخوردارند؛ اما نباید از نقش عوامل و ساختارهای مؤثر بر این مسیرهای گذار غافل بود. تحقیقات مختلف به نقش عوامل و زمینه‌هایی هم‌چون جنسیت، تحصیلات، مذهب، سن و آداب و رسوم در گذار به بزرگسالی اشاره کرده‌اند. (ذکائی و ولی‌زاده، ۱۳۸۸؛ والاس و کواچوا، ۱۳۸۰؛ موناهان، استینبرگ و کافمن^۳، ۲۰۰۹).

1. Furlong, A. Woodman, D & J, Wyn
2. Serracant, P
3. Monahan, K. C, L. Steinberg & E. Cauffman

برای مثال، کاتاس، پیور و ساکیوز^۱ (۲۰۰۵) نشان داده‌اند که اصالت اجتماعی، آداب و رسوم و مذهب روی گذار به بزرگ‌سالی تأثیر دارند. همچنین، صالحی اصفهانی (۲۰۱۰) اشاره می‌کند که در ایران جوانان با تحصیلات بالا، انتظار طولانی‌تری برای یافتن نخستین شغل پس از فارغ‌التحصیلی دارند، ازدواج را بیشتر به تعویق می‌اندازند و مدت زمان بیشتری نزد والدین خود اقامت می‌کنند. در نهایت، یکی دیگر از اهداف این پژوهش این است که مشخص کند گذارهای شغلی و خانوادگی این دو نسل تحت تأثیر چه عوامل و زمینه‌های ساخت‌دهنده‌ای هستند.

۲. مروری بر مطالعات انجام‌گرفته

در تحقیقی با عنوان «گذار به بزرگ‌سالی و جوانی رو به تغییر» که توسط ذکائی (۱۳۸۱) صورت گرفته، نتایج یافته‌ها حاکی از این است که گذار به بزرگ‌سالی، به شکل گذار از وقایع ناپیوسته و بریده از هم صورت نمی‌گیرد. جوانان گذار را ضرورتاً با تکمیل و رسیدن به نقش‌های متداول هنجارهای مرتبط با بزرگ‌سالی (هم‌چون اتمام تحصیلات، اشتغال، ازدواج، فرزندآوری) و با ترتیب و توالی زمانی خاص آن مفهوم‌سازی نمی‌کنند. محدودیت فرصت‌های اشتغال، گرایش فزاینده به داشتن و بیشترکردن تحصیلات دانشگاهی، تلاقی زمانی تحصیل و اشتغال به کار (تمام‌وقت یا نیمه‌وقت) و تمایل به ازدواج دیرهنگام، موقعیت ساختاری جدیدی را ایجاد کرده که جوانان به تناسب تجارب و مهارت‌های خویش با آن کنار می‌آیند. در تحقیق دیگر ذکائی (۱۳۸۸) با عنوان «فرهنگ گذار و الزامات آن برای روابط بین‌نسلی» نشان می‌دهد که گذار جدید نه کاملاً بر پایه گذار مرسوم خطی و تکمیل نقش‌های هنجاری مرتبط با آن و با ترتیب خاص آن است و نه کاملاً وابسته به انتخاب افراد و فارغ‌الگوها و زمینه‌های هنجاری و ساختاری مؤثر بر آن. علی‌رغم اهمیت یافتن تحولات جدید فرهنگی و رشد فردگرایی و استقلال عمل به عنوان زمینه مهم مؤثر بر آن،

1. Katus, K. Puur, A & Sakes, L

ساختارهای فرهنگی همچنان وابسته و بر پایه ساختارهای اجتماعی استوارند؛ به بیان دیگر، مناسبات خانوادگی و نسلی با توجه به طبقه، جنسیت و مکان زندگی تغییرپذیری نشان می‌دهند.

در تحقیقی که توسط تاج مزینانی (۱۳۹۰) انجام گرفته است، یافته‌ها نشان دادند که گذارهای مختلف جوانی دست‌خوش دگرگونی‌های شگرفی شده‌اند. ازدواج پس از مسائلی همچون ادامه تحصیل (۲۳/۷ درصد)، یافتن شغل مناسب (۲۳ درصد)، افزایش مهارت‌ها و شایستگی‌های خویش (۱۷ درصد)، و پولدارشدن (۹/۴ درصد) در مقام پنجم با درصدی در حدود ۵/۲ درصد اهداف و خواسته‌ها و نگرانی‌های جوانان امروز ایرانی قرار دارد.

تحقیق صدق آمیز حقیقی (۱۳۸۹) با عنوان «بررسی تحولات ساختاری و ارزشی گذار جوانان به بزرگ‌سالی» نشان می‌دهد که اگرچه اشتغال بخشی از دلایل جوانان برای ورود به دانشگاه و ادامه تحصیل بود با این وجود شکست انگاره از دانشگاه به شغل هم، چیزی از اشتیاق جوانان به دانشگاه را نکاست. اشتیاقی که بخشی به خاطر نبود یا ضعف مسیرهای جای‌گزین و بخشی به خاطر نداشتن امکانات ورود به بازار کار بود؛ اما بخشی نیز به این دلیل که دانشگاه را راهی برای بهتر زیستن می‌دیدند، به دانشگاه می‌آمدند. همچنین، اشاره می‌کند که زمینه‌های مختلف سنی، جنسی، طبقاتی و مذهبی بر تعیین مسیر گذار، تأثیر چشم‌گیری دارند.

مازوک، منکارینی و رتارولی (۲۰۰۶) در مقاله خود با عنوان «تفاوت‌ها و شباهت‌های بین دو نسل از جوانان در ایتالیا»، نشان داده‌اند که تقریباً ۸۸ درصد از گروه‌های سنی ۲۰-۲۴ ساله، ۶۱ درصد افراد ۲۹-۲۵ ساله و ۲۹/۵ درصد گروه‌های سنی ۳۴-۳۰ هنوز با والدینشان زندگی می‌کنند و به جای ازدواج، جای‌گزینی مانند هم‌بستری را انتخاب می‌کنند که البته هم‌بستری، در میان گروه سنی دوم رواج بیشتری دارد و مشخص شد که اولین گروه سنی؛ یعنی متولدان ۱۹۷۰-۱۹۶۶ خانه والدین را به قصد پیدا کردن کار ترک می‌کنند، در حالی که گروه سنی دوم بیشتر به منظور اتمام تحصیلات و ادامه آن، اقدام به ترک خانه

می‌کنند؛ اما با این وجود نتایج پیمایش‌ها حکایت از این دارد که ترک خانه والدین، موقتی است و بازگشت به آن‌ها بعد از مدتی رو به افزایش می‌گذارد و دیگر وقایع که در مسیر گذار به بزرگسالی است؛ مانند ازدواج، شروع اولین شغل، جزء تمایلاتی است که به تأخیر انداخته می‌شوند.

در مطالعه‌ای با عنوان «جوانان زامبیا چشم به راه فرصت‌ها و کار برای زندگی بهتر» که توسط لاکه و تلینتلو^۱ (۲۰۱۲) و به روش مصاحبه انجام گرفته است، به نتایج زیر دست یافته‌اند. گرچه گذار به بزرگسالی، در توانایی دستیابی به فعالیت‌های تولیدی و داشتن منابع برای تشکیل خانواده تمرکز دارد، واقعیت این است که زنان و مردان جوان گسست‌ها و عدم پیوستگی‌های بسیاری را در طول مسیرهای چندگانه آموزش، کار و زندگی خانوادگی، تجربه می‌کنند. این مسیرهای (گذارها) چندگانه به وسیله تأخیر، انقطاع، ناتمامی یا نقص، شروع بد، فرصت‌های تصادفی، برگشت‌پذیری، عکس‌العمل‌ها یا وقایع ناسازگار، مشخص می‌شوند.

هر یک از مطالعات فوق بر فاکتورهای خاصی متمرکز شده و از بیشتر عوامل و زمینه‌های ساخت‌دهنده گذارها غفلت شده است، پس هدف مقاله حاضر این بوده که عوامل مؤثر را به صورت جامع بررسی کند.

۲. ۱. مروری بر دیدگاه‌های نظری

۲. ۱. ۱. دیدگاه‌های پسامدرن در باب جوانی

نظریه‌های پسامدرن و همچنین نظریه‌های متأخرتر اجتماعی مرتبط با اثر بورديو معتقدند که افراد به جای قرارگرفتن در قالب اقشار اجتماعی ثابت و معین، بیشتر به واسطه سلايق و علايق مصرفی آن‌ها طبقه‌بندی می‌شوند. جریان پسامدرن در سبک‌ها و الگوهای مصرفی بر پایه فرهنگ اطلاعات و ارتباطات دوربرد به ایجاد نسلی کمک کرده است که داگلاس

کاپلاند نام «نسل X» بر آن می‌نهد. نسلی که دیگر نمی‌توانند به بدیهات و مسلمات نسل‌های پیشین جوانان معتقد بمانند؛ کسانی که انتظار چشم‌اندازهای شغلی یا شانس‌های زندگی ثابت را ندارند؛ بلکه بخش‌های مختلف جهان و دوره‌های تاریخ را درمی‌نوردند تا هویت‌هایی را بنا نهند (والاس و کواچوا، ۱۳۸۰، ص. ۲۶). با پیچیدگی بیش از پیش شرایط مدرنیته متأخر، دیگر برای افراد جوان، گذار بدون مشکل و مسأله آن‌ها به جایگاه‌های اشتغال ثابت که قبلاً مترادف با بزرگ‌سالی در نظر گرفته می‌شد، اکنون دیگر بی‌معنی شده است. گذارهای تک‌خطی با یک سری از حرکت‌ها و تغییرات طولانی که کمتر قابل پیش‌بینی هستند و خیلی وقت‌ها نظم مشخصی ندارند و شاید حالت معکوس داشته باشند و ممکن است شامل در هم تنیدگی موقعیت‌های مختلف باشند، جای‌گزین شده‌اند. (فورلانگ، ۲۰۰۳ به نقل از رابرت، ۲۰۱۱، ص. ۲۱). تغییرات سریع و پیچیده‌ای که پست‌مدرنیست‌ها از آن حرف می‌زنند به این معنی است که نهادهایی مانند خانواده، نهادهای بانی اشتغال و تشکل‌های اجتماعی، هرچه بیشتر چندپاره^۱ شده است و زندگی شخصی دیگر کمتر قابلیت پیش‌بینی‌پذیری دارد. (فورلانگ، وودمن و وین، ۲۰۱۱، ص. ۳۵۹). آن‌جا که بک اظهار می‌کند که به خاطر همین فردی‌شدن رادیکالیزه و نهادینه‌شده تضاد منافی بین دوست‌داشتن، تشکیل زندگی و آزادی‌های شخصی به وجود می‌آید و ازدواج و تشکیل خانواده خیلی با اکراه انجام می‌شود (بک^۲، ۲۰۱۳، ص. ۴۳).

۲.۱.۲. نظریه «فردی‌شدن ساخت‌مند»^۳

«فردی‌شدن ساخت‌مند» تلاش دارد که تغییرات اجتماعی و استمرار را وفق دهد و نشان دهد که چطور حرکت‌های مشخص به فردی‌شدن می‌انجامد؛ در حالی که نیروهای مستمر ساختار را هم تصدیق می‌کند. (رابرتز، ۱۹۹۵؛ به نقل از فرانس، ۲۰۰۷، ص. ۷۱). این نظریه

1. fragmented
2. Beck, U.
3. Structured individualism

اشاره می‌کند که پیشینه اجتماعی و خانوادگی ممکن است مانع دستیابی افراد به برخی از مشاغل شود و نوع فرصت‌های در دسترس برای جوانان، به وسیله ساختارهای اطراف آنها محدود خواهد شد. جوانان در انتخاب مسیرها و گذرگاه‌های خود، منابع خود را به کار می‌گیرند و از آنها در این فرآیندها استفاده می‌کنند. نوع منابع در دسترس به‌وضوح به موقعیت طبقاتی آنها مرتبط است و این ممکن است توانایی آنها در به‌کارگیری فرصت‌ها را محدود کند (فرانس، ۲۰۰۷، ص. ۷۱ به نقل از رابرتز، ۱۹۹۷).

توجه به انتخاب در کنار محدودیت‌های ساختی تقسیم دو بخشی عاملیت و ساختار را به ذهن متبادر می‌سازد. (فرانس، ۲۰۰۷، ص. ۷۲) به اعتقاد گیدنز ساختار می‌تواند کنش را تحت الزام قرار دهد؛ اما وی چنین احساس می‌کند که جامعه‌شناسان درباره اهمیت این الزام غلو کرده‌اند و این واقعیت را نادیده گرفته‌اند که ساختار هم الزام‌آور است و هم توانابخش (ریتزر، ۱۳۷۴، ص. ۷۰۵)

۲.۱.۳. نظریه کاهش عدم قطعیت‌ها

فریدمن^۱ (۱۹۹۴) در «تئوری کاهش عدم قطعیت‌ها»^۲ می‌خواهد مکانیسم‌های تصمیم‌گیری تحت شرایط عدم قطعیت را برای ما توضیح دهد. در مواقعی که یک فرد با احتمالاتی می‌تواند جلوی پیامدهای بعدی را بگیرد و می‌داند یا اعتقاد به این دارد که ریسک مورد نظر به شکست می‌انجامد، نمی‌توان از شرایط عدم اطمینان صحبت کرد. زمانی که وضعیت‌هایی با عدم اطمینان کمتر به موقعیت‌های نامطمئن دیگر ترجیح داده می‌شوند، کنش‌گر راه‌هایی را برای کاستن از عدم اطمینان‌ها جست‌وجو می‌کند و این ممکن است به دو طریق صورت گیرد: (۱) به وسیله جادادن مشکل مورد نظر در قالب مشکلی که موضعی است (۲) استراتژی‌های کلی که به منظور کاهش عدم قطعیت‌ها درباره تمامی مسیرهایی را که به کنش مورد نظر ختم می‌شوند، تأمل می‌کنند. میل به کاهش عدم قطعیت کنش‌گر را وادار

1. Friedman

2. uncertainty reduction theory

می‌کند که در یک کنش، مسیرهایی را برگزیند که به مقدار زیادی مستقل از وضعیت آینده باشند (فریدمن، ۱۹۹۴ به نقل از میلز، ۲۰۰۵، ص. ۲۹۴).

از گفته‌های بالا می‌توان یک فرضیه انعطاف‌پذیر ساخت و آن این است که جوانان برای کاستن از عدم اطمینان‌ها به احتمال زیاد خودشان را به پیوندهای منعطف از هم‌بستری [به جای ازدواج رسمی] که مستقل از آینده باشند، مقید می‌کنند. (میلز، ۲۰۰۵، ص. ۲۹۴)؛ علاوه بر آن، اگر این جوانان به طور نامنظم مشغول به کاری شوند؛ یعنی کاری که جدول زمانی انعطاف‌پذیری داشته باشند، پس در برابر آن به یک رابطه انعطاف‌پذیر هم نیاز دارند. هر یک از این رویکردها، ابعادی از موضوع را می‌کاوند و با در نظر گرفتن آن‌ها می‌توان نگاهی تقریباً جامع به مسأله داشت. با مرور رویکردهای پست‌مدرن می‌بینیم که آن‌ها بر نوعی سیاست تفاوت و ساختارشکنی متکی هستند و قائل به ثبات و توالی‌های مشخص در گذر از مراحل زندگی نیستند. این چشم‌انداز ممکن است زاده شرایط و موقعیت‌های مختلف باشد یا این که از خود عوامل ناشی شود. مطابق نظریه فردی شدن ساخت‌مند، جوانان در حالی که در کنش‌های خود نوعی آزادی و اختیار عمل دارند؛ اما بی‌تردید این اعمال در تبادل با موقعیت‌ها و ساختارهای مختلف و تحت تأثیر آن‌ها خواهند بود و در نهایت، نظریه کاهش عدم قطعیت‌ها، به خلاقیت‌هایی اشاره دارد که در با مواجهه با محدودیت‌ها نمود می‌یابد.

۳. چهارچوب نظری و سؤالات تحقیق

چهارچوب نظری مطالعه از ترکیب نظریات «پسامدرنیته»، «فردگرایی ساخت‌یافته» و «نظریه کاهش عدم قطعیت‌ها» گرفته شده و بر مبنای آن‌ها فرضیه تحقیق ساخته و پرداخته شده است. براساس نظریات پسامدرنیته، گذارهای سنی کاملاً مشخص - نظیر کسب صلاحیت برای کار، آغاز به کار، ازدواج و تشکیل خانواده - اکنون همگی سست و

نامشخص شده‌اند. اکنون دیگر نظم خاصی برای اتفاق افتادن این امور وجود ندارد و شاهد نوعی برگشت و تغییرپذیری در تمامی مراحل زندگی هستیم؛ پس با فردی شدن فزاینده ناشی از این تأثیرات و عدم اطمینان و ریسک حاصل از آن، بدون شک سبک زندگی جوانان تحت تأثیر قرار گرفته و در واقع، به تناسب موقعیت‌ها شاهد نوعی تکثرگرایی در خلق و ایجاد سبک‌های مختلف زندگی هستیم. بنابراین، می‌خواهیم گذارهای مختلف تحت این شرایط را واکاوی کنیم که البته کنش‌گران در صورتی که بر سر کنش خود مانعی احساس کنند و آن را دور از دسترس ببینند، درصدد جای‌گزینی برای آن هستند؛ یعنی جوانان سبک زندگی واگرایی برای خود می‌سازند که تصمیمات آن‌ها به میزان دسترس‌پذیری امور و چشم‌اندازهایی که برای خود متصور می‌بینند بستگی خواهد داشت، پس در این زمینه از تئوری کاهش عدم قطعیت‌ها کمک می‌گیریم تا مشخص شود که عاملیت در این فرآیند تا چه اندازه نقش بازی می‌کند. همچنین، طبق تئوری فردگرایی ساخت‌یافته یک سری محدودیت‌ها و عوامل، فردگرایی را تحت تأثیر قرار می‌دهند؛ یعنی این نظریه تلاش دارد تعامل و پیوند تغییر و استمرار یا عاملیت و ساختار را مد نظر قرار دهد و به تبع گذار جوانان به اشتغال و ازدواج هم مستثنی از این امر نیست و تحت تأثیر عواملی قرار می‌گیرند که در این بررسی ما به دنبال تأثیر عواملی هم‌چون (جنسیت، سن، تحصیلات، مذهب، پایگاه اقتصادی - اجتماعی، حمایت خانواده، رسانه‌ها و آداب و رسوم) بر این گذارها هستیم. به این ترتیب، سؤالات زیر مطرح شده و آزمون می‌شود.

۱. افراد دو نسل یعنی متولدین ۱۳۶۳ و ۱۳۳۳ وقایع مهمی که در مسیر گذار به بزرگسالی قرار دارند را به چه نحو سامان‌دهی می‌کنند؟
۲. آیا فرآیند سامان‌دهی به مسیرهای گذار در بین دو نسل تفاوت معناداری دارند؟
۳. اولویت‌بندی و ترجیح وقایع گذار در نزد دو نسل چگونه است؟
۴. آیا اولویت‌بندی‌ها و ترجیحات دو نسل با هم تفاوت دارند؟
۵. گذار شغلی متولدین ۱۳۳۳ و ۱۳۶۳ تحت تأثیر چه عوامل و زمینه‌هایی قرار می‌گیرند؟

۶. گذار به ازدواج متولدان ۱۳۳۳ و ۱۳۶۳ تحت تأثیر چه عوامل و زمینه‌هایی قرار می‌گیرند؟

۴. روش تحقیق

۴.۱. میدان مطالعه و روش تحقیق

حوزه مطالعه این پژوهش شهرستان دهگلان است. تحقیق حاضر با توجه به موضوع، سؤالات تحقیق و نیز کمّی بودن نوع پژوهش، به روش پیمایش براساس طرح مقطعی انجام گرفته است. همچنین، ابزار جمع‌آوری اطلاعات مورد نظر ترکیبی از پرسش‌نامه‌های ساخت‌یافته و محقق‌ساخته (طراحی گویه‌های مختلف با توجه به شرایط ملی و محلی پدیده گذار و در نهایت، تأیید آن توسط صاحب‌نظران حوزه ذی‌ربط) بوده است.

۴.۲. اعتبار و روایی پرسش‌نامه

جهت سنجش دقت و اعتبار محتوای سؤالات پرسش‌نامه از نظرات استادان داور و سایر استادان متخصص در حوزه موضوع مورد مطالعه استفاده شده است و برای سنجش پایایی پرسش‌نامه، یک نمونه اولیه شامل ۳۰ پرسش‌نامه پیش‌آزمون شد و سپس با استفاده از داده‌های به‌دست آمده از این پرسش‌نامه‌ها و به کمک نرم‌افزار آماری SPSS میزان ضریب پایایی با روش آلفای کرونباخ محاسبه شد. که عدد (۰/۸۴) به دست آمد.

۴.۳. جامعه آماری، نمونه و نمونه‌گیری

۴.۳.۱. جامعه آماری و حجم نمونه

جامعه آماری ما کلیه متولدان ۱۳۳۳ و ۱۳۶۳ ساکن شهرستان دهگلان بوده‌اند. برای تعیین حجم نمونه در این پژوهش، از فرمول نمونه‌گیری کوکران استفاده شد. بنابراین، با توجه به تعداد جامعه آماری (N= 1795)، با در نظر گرفتن سطح معنی‌داری ۹۵ درصد و رقم ۱/۹۶

برای t و درجه اطمینان (d) ۵ درصد و در نظر گرفتن احتمال $0/50$ هم برای ضریب p و هم ضریب q ، حجم نمونه معادل ۳۱۷ نفر برآورد شد.

۴.۳.۲. روش نمونه‌گیری

روش نمونه‌گیری در این پژوهش ترکیبی از روش‌های نمونه‌گیری طبقه‌ای متناسب، خوشه‌ای یک‌مرحله‌ای، تصادفی ساده و گلوله برفی بوده است. در ابتدا با مراجعه به شبکه بهداشت و درمان شهرستان دهگلان و ثبت احوال شهرستان، آمار متولدان ۱۳۳۳ و ۱۳۶۳ در سطح شهرستان که در کل شهرستان ۱۷۹۵ نفر می‌باشند، استخراج شد. سپس مراکز شهری و روستایی شهرستان دهگلان در ۵ خوشه شمال، جنوب، شرق، غرب و مرکز قرار گرفتند که از خوشه شمال، روستاهای بگه جان و کاکه جوب، از خوشه جنوب روستاهای سلسله و لاله‌ای، از خوشه شرق روستاهای عباس جوب و ناصر آباد، از خوشه غرب روستاهای کروندان و حاج پمق و بالاخره از مرکز، شهرهای دهگلان و بلبان آباد به طور تصادفی انتخاب شدند. سپس با توجه به جمعیت هدف در این روستاها و مراکز شهری به کل جمعیت دو نسل سنی که ۱۷۹۵ نفر و تعداد نمونه انتخابی که براساس فرمول نمونه‌گیری کوکران ۳۱۷ نفر بود، از نمونه‌گیری طبقه‌ای نسبی استفاده شد. ضمن این که برای انتخاب افراد مورد بررسی در روستاها، ابتدا با کمک و همکاری مراکز خانه بهداشت هر روستا، لیستی کلی از تعداد متولدان ۶۳ و ۳۳ تهیه شده و به دنبال آن به شیوه‌ای کاملاً تصادفی نمونه هدف را پیدا کرده و با آن‌ها مصاحبه کردیم؛ ولی در مناطق شهری، مشکلات بیشتری سر راه پرسش‌گری قرار داشت و فرآیند انتخاب کاملاً مبنای تصادفی داشت و با مراجعه به شهرک‌های مختلف و استفاده از روش گلوله برفی به جست‌وجوی نمونه هدف می‌پرداختیم.

۵. یافته‌های مطالعه

در این قسمت، پس از طرح شمایی از سیمای پاسخ‌گویان ابتدا در سطح توصیفی به بررسی ویژگی‌های گذارها در بین دو نسل پرداخته و سپس در سطح تبیینی به تحلیل گذارها با در نظر گرفتن عوامل تأثیرگذار می‌پردازیم.

۱.۵. ویژگی‌های جمعیتی پاسخ‌گویان

از نظر سطح تحصیلات ۲۳/۵ درصد از متولدین ۱۳۶۳ دیپلم بودند و حدود ۵۰/۶ درصد موفق به اخذ مدارک دانشگاهی شده بودند و از مجموع پاسخ‌گویان متولد ۱۳۳۳، ۷۸/۶ درصد بی‌سواد، ۱۸/۶ درصد دارای تحصیلات ابتدایی و حوزوی بودند و فقط ۲/۹ درصد از پاسخ‌گویان تحصیلات راهنمایی داشته‌اند.

از نظر وضع فعالیت و شغل از مجموع پاسخ‌گویانی که متولد ۱۳۶۳ بوده‌اند، ۳۵/۶ درصد شاغل و ۴۳ درصد بیکار بوده‌اند.

۲.۵. مؤلفه گذار تحصیلی

۳۷/۹ درصد از متولدان ۶۳ اولین فارغ‌التحصیلی را در مقاطع مختلف دانشگاهی تجربه کرده و ۳۶/۵ درصد از این افراد در مقطع دیپلم فارغ‌التحصیل شده و حدود ۲۵/۶ درصد در مقاطع پایین‌تر از دیپلم ترک تحصیل کرده بودند. از میان این فارغ‌التحصیلان ۵۳ درصد از آن‌ها باز هم به تحصیل در مقاطع بالاتر ادامه داده که ۲۶/۳ درصد از آن‌ها احساس نیاز شخصی را دلیل ادامه تحصیل خود ذکر کرده، ۱۰/۹ درصد کسب موقعیت اجتماعی بهتر را مسبب این امر و ۸/۵ درصد گفته بودند که به خاطر شرایط بد بازار کار چاره‌ای جز ادامه تحصیل نداشته‌اند؛ اما ۲۱/۴ درصد از متولدان ۱۳۳۳ باسواد بوده‌اند که همه آن‌ها در همان مقطع ابتدایی ترک تحصیل کرده و هیچ یک از این افراد مجدداً دنبال ادامه تحصیل نرفته بودند.

بحث دیگری که در این میان اهمیت دارد ادامه تحصیل بعد از شاغل شدن است که طبق یافته‌های این تحقیق، ۴۸/۲ درصد از متولدین ۶۳ بعد از به دست آوردن شغل سراغ ادامه تحصیل رفته بودند؛ اما چنین چیزی برای ۶۰ ساله‌ها اتفاق نیفتاده بود.

۳.۵. مؤلفه گذار شغلی

از مجموع متولدین ۱۳۶۳، ۳۴/۸ از نمونه مورد بررسی اولین بار به صورت پاره‌وقت مشغول به کار شده‌اند، ۳۱/۶ با کار تمام‌وقت شروع کرده و عده‌ای از آن‌ها هم که ۲۸/۷ درصد از پاسخ‌گویان را تشکیل می‌دهد تا مدتی به والدین وابسته بوده و هیچ کار مشخصی نداشته‌اند؛ اما متولدین ۱۳۳۳ قدری متفاوت عمل کرده بودند؛ به این ترتیب که ۴۵/۸ درصد از این افراد اولین بار به صورت مشترک کاری را با والدین خود شروع کرده و از این طریق امرار معاش می‌کردند، ۴۴/۲ درصد از پاسخ‌گویان تا مدتی یا کار مشخصی نداشتند و یا به نوعی به صورت فصلی و موقت مشغول به کار بوده و فقط ۱۰ درصد از آن‌ها و به صورت‌های مختلف با کار تمام‌وقت شروع کرده بودند. از دلایل انتخاب کار مشترک با والدین می‌توان به عدم توانایی مالی برای ایجاد یک کسب و کار مستقل، ریسک‌پذیری پایین و تا حدودی کمک خرج خانواده بودن و دستگیری از والدین سال‌خورده اشاره کرد.

۴.۵. تغییر شغل

در این پژوهش مشخص شد که از مجموع ۱۸۲ نفر متولد ۶۳ که وارد بازار کار شده بودند، ۲۳/۹ درصد از آن‌ها تجربه تغییر شغل داشتند که اکثر آن‌ها اظهار کرده بودند یا دنبال شغل‌های با شرایط بهتر بوده و یا این‌که شغل‌های سابق در حد صلاحیت آن‌ها نبوده است؛ اما فقط ۷/۱ درصد از پاسخ‌گویان متولد ۳۳ در طول مدتی که در بازار کار فعال بودند، تجربه تغییر شغل داشتند آن هم کسانی که دست به کار مشترک با والدین زده بودند.

۵. ۵. گذار به ازدواج

۵. ۵. ۱. ازدواج

۸۱/۴ درصد از پاسخ‌گویان متولد ۶۳ یک بار تجربه ازدواج داشتند، ۶/۹ درصد دو بار ازدواج کرده بودند و ۱۱/۷ درصد اظهار کرده بودند که هنوز مجرد هستند؛ اما از کل پاسخ‌گویان متولد ۳۳، ۹۴/۳ درصد یک بار ازدواج کرده بودند و ۵/۷ درصد بقیه دو بار تجربه ازدواج داشتند.

۵. ۵. ۲. نگرش به جای‌گزین‌های ازدواج

جوانان امروزه ممکن است به دلیل فقدان مدل‌های نقشی مشخص که در گذشته وجود داشته، نقش‌هایی مانند اشتغال تمام‌وقت و ازدواج را با جای‌گزین‌های دیگری مانند اشتغال پاره‌وقت و موقتی و مجردگزینی مطلق یا هم‌بستری تکمیل کنند و به این ترتیب، در غیاب نمونه و الگوهایی مشابه و تثبیت‌شده به ابتکار عمل، تجربه و آزمایش کردن و ریسک‌پذیری روی آورند، اگرچه جوانان نسل جدید همانند نسل گذشته با جای‌گزین‌های ازدواج مانند هم‌بستری مخالف نشان می‌دهند، شدت مخالفت آن‌ها کمتر از نسل‌های گذشته است و این نشان از ظهور سبک‌ها و عادت‌واره‌های مدرن در میان جوانان نسل کنونی می‌دهد. ۱۹ درصد از متولدین ۶۳ با این نظر موافق بوده‌اند که اگر در محیط بزرگ‌تری بودند و کسی کاری به کارشان نداشت، خانه مجردی می‌گرفتند، ۵۹/۹ درصد نظرشان این بوده است که ازدواج صرفاً آزادی‌های فردی را محدود می‌کند، ۹/۳ درصد با برآورده کردن نیاز جنسی از راه‌های دیگر به جز ازدواج موافق بودند و بالاخره ۶۷/۲ درصد رابطه با جنس مخالف قبل از ازدواج را برای ازدواج بهتر، مناسب می‌دانستند.

جدول ۱- نمایش کلی از گذار تحصیلی، گذار شغلی و گذار به ازدواج متولدین ۶۳ و ۳۳

| متولدین ۱۳۳۳ (درصد) | متولدین ۱۳۶۳ (درصد) | | |
|------------------------|------------------------|---|---------------------------|
| ۰ | ۳۷/۹ | تحصیلات دانشگاهی | وضعیت تحصیلات |
| ۰ | ۳۶/۵ | دیپلم | |
| ۲۱/۴ | ۲۵/۶ | ترک تحصیل | |
| ۰ | ۵۳ | ادامه تحصیل مجدد پس از فارغ‌التحصیلی یا ترک تحصیل | |
| ۰ | ۴۸/۲ | ادامه تحصیل پس از شاغل شدن | |
| ۱۰ | ۳۱/۶ | کار تمام وقت | وضع اشتغال (اولین شغل) |
| ۰ | ۳۴/۸ | کار پاره وقت | |
| ۴۵/۸ | ۰ | کار مشترک با والدین | |
| ۴۴/۲ | ۲۸/۷ | وابسته به والدین | |
| ۷/۱ | ۲۳/۹ | تغییر شغل | |
| ۹۴/۳ | ۸۱/۴ | یک بار ازدواج کرده | ازدواج |
| ۵/۷ | ۶/۹ | دو بار ازدواج کرده | |

۶. تحلیل داده‌ها در سطح استنباطی

بررسی و آزمون سؤال اول: افراد دو نسل وقایع مهمی که در مسیر گذار به بزرگسالی قرار دارند را به چه نحو سامان‌دهی می‌کنند؟ و آیا فرآیند سامان‌دهی به مسیرهای گذار در بین دو نسل با هم تفاوت معناداری دارند؟ برای بررسی و آزمون این فرضیه، اولین تجربه کاری پاسخ‌گویان، متوسط سن ورود به اولین کار، تغییر شغل، متوسط سن ازدواج، نحوه انتخاب همسر و وضعیت اقامت افراد بعد از ازدواج را مبنای قضاوت خود قرار داده و به این ترتیب گذارهای مختلف در بین دو نسل را با هم مقایسه کرده‌ایم.

جدول ۲- مقایسه تجربه اولین شغل در میان دو نسل

| پاسخ‌گویان | اولین تجربه کاری (درصد) | | | | |
|--|---|--------------|---------------------|-------------------------------|----------|
| | کار پاره وقت | کار تمام وقت | کار مشترک با والدین | مدتی بیکار و وابسته به والدین | سایر جمع |
| متولدین ۱۳۶۳ | ۳۴/۸ | ۳۱/۶ | ۱/۲ | ۲۸/۷ | ۳/۶ |
| متولدین ۱۳۳۳ | ۷/۱ | ۱۰ | ۴۵/۸ | ۵/۷ | ۳۱/۴ |
| آزمون آماری درجات آزادی سطح معناداری | Chi-square=۱۷۷/۱۳۲ ۴ P<0/01 ۰/۷۴۸ = ضریب هم‌بستگی فی | | | | |

نتیجه آزمون خبی دو حاکی از آن است که دو نسل در اولین تجربه کاری تفاوت بسیار زیادی با هم دارند؛ به این ترتیب که امروزه جوانان به دلیل تغییر شرایط ساختاری یا به کارهای پاره‌وقت و موقتی روی می‌آورند و یا مدتی بیکار و به والدین خود وابسته می‌مانند، چیزی که در نسل گذشته به ندرت مشاهده می‌شود، به همین دلیل هم با تأخیر به بازار کار وارد می‌شوند.

جدول ۳- مقایسه متوسط سن ورود به کار در میان دو نسل

| گروه‌ها | شاخص‌های آماری | | | | | |
|------------|----------------|------|---------|------------------|------------------|---------|
| | تعداد | درصد | میانگین | انحراف استاندارد | تفاوت میانگین‌ها | مقدار T |
| متولدان ۶۳ | ۱۷۹ | ۸۱/۰ | ۱۹/۹ | ۳/۳ | ۳/۱ | ۹/۳* |
| متولدان ۳۳ | ۴۲ | ۱۹/۰ | ۱۶/۸ | ۱/۴ | | |
| جمع | ۲۲۱ | ۱۰۰ | | | | |

به علاوه، پدیده تغییر شغل به‌عنوان جنبه‌ای از جابه‌جایی‌های اجتماعی خاص جوامع مدرن جوانان بسیاری را در خود درگیر می‌کند، چیزی که ممکن است برای افراد نسل گذشته هم به ندرت اتفاق افتاده باشد؛ اما انگیزه این تغییر شغل‌ها در بین دو نسل تفاوت

فاحشی با هم دارند؛ طوری که از دلایل جوانان نسل جدید در این زمینه چنین برمی آید که انتخاب و آزادی شخصی نقش مسلط را داشته است.

جدول ۴- آزمون مؤلفه تغییر شغل

| دلایل تغییر شغل | متولدان ۶۳ | متولدان ۳۳ |
|--|------------|------------|
| | درصد | درصد |
| عدم امنیت شغلی | ۱/۶ | ۰ |
| شغل یا شغل‌های سابق در حد صلاحیت من نبوده است. | ۵ | ۰ |
| عدم علاقه | ۲ | ۰ |
| درآمد ناکافی | ۳/۶ | ۷/۱ |
| دنبال شغل‌هایی با شرایط بهتر بودم | ۱۱/۳ | ۰ |
| مانع شدن اعضای خانواده از ادامه شغل قبلی | ۰/۴ | ۰ |

آزمون آماری $\chi^2 = ۱۹/۳۷۰$
 $\Phi = 0/748$
 درجات آزادی ۵
 سطح معناداری $P < 0/01$

جدول ۵- مقایسه میانگین سن ازدواج در اولین ازدواج در میان دو نسل

| گروه‌ها | تعداد | درصد | میانگین | انحراف استاندارد | تفاوت میانگین‌ها | شاخص‌های آماری | | |
|------------|-------|------|---------|------------------|------------------|----------------|-------------|--------------|
| | | | | | | مقدار T | درجات آزادی | سطح معناداری |
| متولدین ۶۳ | ۲۱۸ | ۷۵/۷ | ۲۳/۷ | ۳/۱ | ۵/۰ | ۱۵/۵* | ۱۸۱ | ۰/۰۰۰ |
| متولدین ۳۳ | ۷۰ | ۲۴/۳ | ۱۸/۷ | ۲/۰ | | | | |
| جمع | ۲۸۸ | ۱۰۰ | | | | | | |

جدول ۶- گزارش متولدین ۱۳۶۳ و ۱۳۳۳ نسبت به نحوه انتخاب همسر در اولین ازدواج

| نحوه انتخاب همسر در اولین ازدواج (درصد) | | | | | | پاسخ‌گویان |
|---|-----------------|-----------------------------|--------|------------------|-----|---|
| انتخاب شخصی | پیشنهاد خانواده | پیشنهاد دوستان و خویشاوندان | اجباری | ازدواج مبادله‌ای | جمع | |
| ۵۳/۷ | ۲۷/۱ | ۱۱/۹ | ۷/۳ | ۰ | ۱۰۰ | متولدین ۱۳۶۳ |
| ۸/۶ | ۴۵/۷ | ۲/۹ | ۳۴/۳ | ۸/۶ | ۱۰۰ | متولدین ۱۳۳۳ |
| $\chi^2 = ۸۱/۹۳۵$ ۴ $P < 0/01$ | | | | | | آزمون آماری درجات آزادی سطح معناداری |

با وقوع ازدواج‌های پیش‌رس متوسط سن ازدواج در متولدین ۳۳ پایین‌تر بوده و ازدواج‌های آن‌ها اغلب به وسیله ساختار خانواده تنظیم و کنترل می‌شده است، در حالی که اگرچه متولدین ۶۳ هر چه بیشتر ازدواج خود را به تأخیر می‌اندازند؛ اما انتخاب شخصی در ازدواج آن‌ها نقش خیلی پررنگی دارد و این مطالب حاکی از آن است که امروزه فردگرایی بر بسیاری از مناسبات جوانان سایه افکنده و جوانان دوست دارند در امور و وقایع مهمی که سر راه بزرگ‌سالی قرار دارند، بیشتر بر توانایی‌های خود متکی بوده و خود مسؤلیت‌ها و عواقب تصمیمات خود را بر عهده بگیرند.

جدول ۷- مقایسه وضعیت اقامت متولدین ۱۳۶۳ و ۱۳۳۳ بعد از ازدواج و آزمون آن

| وضع اقامت | متولدین ۶۳ | متولدین ۳۳ |
|---|------------|------------|
| | درصد | درصد |
| در خانه پدر و مادری (زن و یا شوهر) زندگی می‌کردیم و کاملاً به آن‌ها وابسته بودیم. | ۵/۵ | ۲۸/۶ |
| در خانه پدر و مادری زندگی می‌کردیم؛ ولی از بقیه جوانب از آن‌ها مستقل بودیم. | ۶/۸ | ۳۷/۱ |
| پس از مدت کوتاهی زندگی در خانه پدر و مادری از آن‌ها جدا شدیم. | ۴۶/۸ | ۴/۳ |
| در مسکنی که خودمان مالک آن بودیم. | ۱۳/۸ | ۲۲/۹ |
| در مسکن اجاره‌ای | ۲۳/۴ | ۲/۹ |
| سایر | ۳/۷ | ۴/۳ |

آزمون آماری $\chi^2 = 100/655$
 $\Phi = 0/591$
 درجات آزادی ۵
 $P < 0/01$ سطح معنای

بعد از مسأله اشتغال و ازدواج، نحوه سکونت جوانان مطرح است که هر یک راهبرد ویژه خود را در پیش می‌گیرند؛ ولی نکته‌ای که در این جا اشاره به آن ضروری است این است که ۱۴/۳ درصد از جوانان نسل ۶۳ به دلایل مختلف از جمله بروز مشکل یا احساس نیاز پس از ترک خانه پدری به دنبال ازدواج باز هم برای اقامت مجدد به آن جا بازگشته‌اند. فرآیندی که به منظور کاهش عدم قطعیت پیشرو، دست به خلق آن می‌زنند. به طور کلی، آزمون مؤلفه‌های برجسته‌ای که نحوه تجارب گذار به اشتغال، ازدواج و مسکن را در بین دو نسل

مقایسه کردند و همه آنها به طور جزء به جزء و مبسوط نشان داده شدند، حاکی از آن هستند که دو نسل این گذارها را متفاوت از هم طی می کنند.

بررسی و آزمون سؤال دوم: اولویت بندی و ترجیح وقایع گذار در نزد دو نسل چگونه است؟ آیا اولویت بندی ها و ترجیحات دو نسل تفاوت معناداری دارند؟

ملاک قضاوت در این مورد گویه ای بوده که مهم ترین نگرانی و دغدغه جوانان را سنجش کرده است. داده های جدول حاکی از معنادار بودن تفاوت اولویت وقایع گذار در بین دو نسل است؛ به این ترتیب که نسل گذشته در وهله اول به اشتغال و بعد به ازدواج اهمیت می دادند. همان دو مقوله کلیدی که معرف های گذار به بزرگ سالی شناخته می شدند؛ اما امروزه جوانان بیشتر به اموری هم چون ادامه تحصیل و برنامه ریزی برای آینده می اندیشند که کاملاً نشان از تغییر نگرش آنها نسبت به نسل گذشته دارد.

جدول ۸- مقایسه اولویت بندی دغدغه ها و نگرانی های جوانان در میان دو نسل

| | متولدان ۶۳ | متولدان ۳۳ |
|--|--------------|------------|
| اشتغال مناسب | درصد ۲۴/۷ | درصد ۵۰ |
| ثروتمند شدن | ۹/۳ | ۵/۷ |
| ادامه تحصیل | ۳۲ | ۲/۹ |
| ازدواج | ۸/۵ | ۳۴/۳ |
| بچه دار شدن | ۲/۸ | ۰ |
| داشتن مسکن مناسب | ۷/۷ | ۷/۱ |
| نبودن چشم انداز روشن و ثبات برای برنامه ریزی آینده | ۹/۷ | ۰ |
| سایر | ۵/۳ | ۰ |

آزمون آماری
Chi-square= ۶۸/۵۰۴
Phi= 0/465
7 درجات آزادی
P<0/01 سطح معناداری

بررسی و آزمون سؤال سوم: هر یک از متغیرهای (جنسیت، سن، تحصیلات، مذهب، پایگاه اقتصادی- اجتماعی، حمایت خانواده، رسانه‌ها) چه تأثیری بر گذار شغلی متولدین ۱۳۶۳ دارند؟ و گذار شغلی این نسل با کدام عامل یا عوامل ذکر شده تبیین می‌شوند؟

جدول ۹- عناصر عمده تحلیل رگرسیون چندمتغیره (پیش‌بینی متغیر وابسته گذار شغلی) در متولدین ۱۳۶۳

| عناصر رگرسیون و متغیرها | Model ۱ | | Model ۲ | | Model ۳ | | Model ۴ | | Model ۵ | |
|-------------------------|---------|---------|----------|---------|---------|---------|---------|---------|---------|---------|
| | B | β | B | β | B | β | B | β | B | β |
| مقدار ثابت | ۱۱/۰۹۹ | - | ۳/۹۵۱ | - | ۲/۳۲۲ | - | ۲/۳۷۴ | - | ۴/۳۱۴ | - |
| جنسیت | ۱۰/۱۸۰ | ۰/۵۱۵ | ۱۱/۰۴۴ | ۰/۵۵۹ | ۱۰/۳۲۴ | ۰/۵۲۳ | ۹/۱۷/۵ | ۷۶/۴/۰ | ۷۶/۵/۸ | ۱۷/۴/۰ |
| حمایت خانواده | | | ۱/۳۸۰ | ۰/۴۷۵ | ۱/۰۰۴ | ۰/۳۷۳ | ۱/۰۵۱ | ۰/۳۹۰ | ۱/۱۲۴ | ۷/۴/۰ |
| رسانه | | | | | ۱/۲۶۰ | ۰/۲۴۲ | ۱/۶۶/۰ | ۰/۳۲۲ | ۱/۶/۰ | ۳/۶/۰ |
| مذهب | | | | | ۰/۲۶۰ | ۰/۲۴۲ | ۰/۱۴/۰ | ۰/۰۰۰/۰ | ۰/۲۶/۰ | ۷/۲/۰ |
| تحصیلات | | | | | ۱/۳۲۰ | ۰/۳۲۲ | ۱/۰۴/۰ | ۰/۰۰۰/۰ | ۱/۳۲۰ | ۰/۱۷/۰ |
| R | ۰/۵۱۵a | | ۰/۳۹۹b | | ۰/۳۳۵ | | ۰/۲۹۹e | | ۰/۲۶۶f | |
| R ^۲ | ۰/۲۶۵ | | ۰/۲۴/۰ | | ۰/۵۳۷ | | ۱/۳۰/۰ | | ۰/۵۵۷ | |
| مقدار F | ۰/۲۶۲ | | ۰/۴۸۵ | | ۰/۳۲۱ | | ۷/۵۲/۰ | | ۷/۳۵/۰ | |
| سطح معن داری | ۸۳/۴/۵ | | ۱۱۰/۰/۹۵ | | ۸۸/۴/۱۰ | | ۳۳/۴/۲۶ | | ۵۷/۰/۶۰ | |
| | ۰/۰۰۰ | | ۰/۰۰۰ | | ۰/۰۰۰ | | ۰/۰۰۰ | | ۰/۰۰۰ | |

قضاوت در مورد سهم و نقش هر یک از متغیرها در تبیین متغیر وابسته را باید به مقادیر بتا واگذار کرد؛ زیرا این مقادیر استاندارد شده بوده و امکان مقایسه و تعیین سهم نسبی هر یک از متغیرها را فراهم می‌آورد. با توجه به بتاهای به دست آمده، بر اساس جدول ۸ و برای متولدین ۶۳ هر پنج متغیر جنسیت، حمایت خانواده، رسانه، مذهب، تحصیلات به ترتیب نقش مهمی در تبیین متغیر وابسته دارند.

بررسی و آزمون سؤال چهارم: هر یک از متغیرهای (جنسیت، سن، تحصیلات، مذهب، پایگاه اقتصادی- اجتماعی، حمایت خانواده، رسانه‌ها) چه تأثیری بر گذار شغلی متولدین ۱۳۳۳ دارند؟ و گذار شغلی این نسل با کدام عامل یا عوامل ذکر شده تبیین می‌شوند؟

جدول ۱۰- عناصر عمده تحلیل رگرسیون چندمتغیره برای پیش‌بینی متغیر وابسته گذار شغلی در متولدین

۱۳۳۳

| مدل ۱ | | عناصر رگرسیون و متغیرها |
|---------|--------|---|
| β | B | |
| - | ۱۵/۸۵۴ | مقدار ثابت |
| ۰/۴۲۴ | ۰/۱۹۱ | حمایت خانواده |
| ۰/۴۲۴ | | R R² ضریب تعیین تعدیل شده F مقدار سطح معنی داری |
| ۰/۱۸۰ | | |
| ۰/۱۶۰ | | |
| ۸۷۹۱ | | |
| ۰/۰۰۵ | | |

همان‌طور که داده‌های جدول (۱۰) نشان می‌دهند، تنها متغیر تأثیرگذار بر مسیر گذار شغلی متولدین ۳۳، حمایت خانواده بوده است، این در حالی است که متغیر ذکر شده فقط ۱۶ درصد از تغییرات گذار شغلی را پیش‌بینی می‌کنند؛ یعنی در نسل گذشته که نشانی از ابهام و عدم قطعیتی که امروزه سر راه مسیرهای گذار جوانان قرار دارد، دیده نمی‌شود، افراد بیشتر به توانایی‌های خود تکیه می‌کنند؛ البته ذکر این نکته لازم است که گفته فوق دلیلی بر این

ادعا نیست که افراد در این مسیرها دست به انتخاب می‌زدند؛ بلکه ساختارهایی که خارج از کنترل فرد بودند به این وقایع شکل می‌دادند؛ یعنی مسیرهایی از پیش تعیین شده و مشخص پیش روی افراد قرار داشت.

از مقایسه جدول‌های (۸ و ۹) می‌توان این‌طور استنباط کرد که تحلیل رگرسیون برای پیش‌بینی متغیر وابسته گذار شغلی برای متولدین ۶۳ تا پنج گام پیش رفته است، این در حالی است که همین تحلیل برای متولدین ۳۳ فقط یک گام جلو رفته است؛ یعنی ۵۵/۷ درصد از تغییرات متغیر وابسته گذار شغلی در متولدان ۶۳ با شش متغیر (جنسیت، حمایت خانواده، رسانه، مذهب و تحصیلات) تبیین می‌شوند؛ اما در متولدین ۳۳ تنها متغیر تأثیرگذار؛ یعنی حمایت خانواده فقط ۱۶ درصد از تغییرات متغیر وابسته را تبیین می‌کند. بررسی و آزمون سؤال پنجم: هر یک از متغیرهای (جنسیت، سن، تحصیلات، مذهب، پایگاه اقتصادی-اجتماعی، حمایت خانواده، رسانه‌ها، آداب و رسوم) چه تأثیری بر گذار به ازدواج متولدین ۱۳۶۳ دارند؟ و گذار به ازدواج این نسل با کدام عامل یا عوامل ذکر شده تبیین می‌شوند؟ با توجه به بتاهای حاصل شده، بر اساس جدول برای متولدان ۶۳ پنج متغیر تحصیلات، حمایت خانواده، رسانه‌ها، سن و پایگاه اقتصادی-اجتماعی به ترتیب نقش مهمی در تبیین متغیر وابسته دارند. اگر به ارقام فوق دقیق‌تر شویم علامت منفی بتا برای متغیر پایگاه اقتصادی-اجتماعی به این معناست که بیشتر افراد متعلق به پایگاه‌های بالای اجتماعی، زودتر ازدواج کرده و مسیر گذار، مسیری هموار برای اکثر این افراد بوده است.

جدول ۱۱- عناصر عمده تحلیل رگرسیون چندمتغیره برای پیش بینی متغیر وابسته گذار به ازدواج در

متولدین ۱۳۶۳

| عناصر رگرسیون و متغیرها | مدل ۱ | | مدل ۲ | | مدل ۳ | | مدل ۴ | | مدل ۵ | |
|-------------------------|--------------------|--------|--------------------|--------|---------|--------|--------------------|--------|--------------------|--------|
| | β | B | β | B | β | B | β | B | β | B |
| مقدار ثابت | - | ۲۲/۰۴۹ | - | ۲۰/۰۰۷ | - | ۱۹/۲۸۹ | - | ۱۸/۵۳۳ | - | ۱۹/۸۷۹ |
| جنسیت | ۰/۶۰۹ | ۳/۶۱۵ | ۰/۵۸۷ | ۳/۴۸۳ | ۰/۵۸۵ | ۳/۴۶۸ | ۰/۶۱۳ | ۳/۶۳۷ | ۰/۶۳۵ | ۳/۶۶۴ |
| تحصیلات | | | | ۳۵۴/۰ | | ۰/۶۵۸ | | ۰/۳۸۸ | | ۱۳۳/۰ |
| رسانه | | | | ۸۴۴/۰ | | ۰/۳۸۳ | | ۰/۳۵۸ | | ۷۶/۰ |
| سن | | | | ۰/۱۵۵ | | ۵۴۱/۰ | | ۱۷۱/۰ | | ۱۶۱/۰ |
| پایگاه اقتصادی اجتماعی | | | | ۰/۲۸۵ | | ۰/۰۹۷ | | ۰/۰۹۷ | | ۳۷۸/۰ |
| R | ۰/۶۰۹ ^۳ | | ۰/۷۵۰ ^۹ | | ۰/۸۶۴ | | ۰/۸۶۸ ^۵ | | ۰/۸۳۳ ^۴ | |
| R ^۲ | ۰/۳۷۱ | | ۰/۶۵۰ | | ۰/۷۵۰ | | ۰/۷۵۰ | | ۰/۷۵۰ | |
| ضریب تعیین تعدیل شده | ۰/۳۳۸ | | ۰/۷۵۵ | | ۰/۵۷۵ | | ۰/۷۵۰ | | ۰/۷۵۰ | |
| F مقدار | ۱۳۲/۹۰۹ | | ۳۵۵/۸۱۱ | | ۹۵/۴۳۷ | | ۸۸/۵۷۸ | | ۷۶/۶۰۶ | |
| سطح معنی داری | ۰/۰۰۰ | | ۰/۰۰۰ | | ۰/۰۰۰ | | ۰/۰۰۰ | | ۰/۰۰۰ | |

بررسی و آزمون سؤال ششم: هر یک از متغیرهای (جنسیت، سن، تحصیلات، مذهب، پایگاه اقتصادی- اجتماعی، حمایت خانواده، رسانه‌ها، آداب و رسوم) چه تأثیری بر گذار به ازدواج متولدان ۱۳۳۳ دارند؟ و گذار به ازدواج این نسل با کدام عامل یا عوامل ذکر شده تبیین می‌شوند؟

جدول ۱۲- عناصر عمده تحلیل رگرسیون چندمتغیره برای پیش‌بینی متغیر وابسته گذار به ازدواج در

متولدان ۱۳۳۳

| مدل ۴ | | مدل ۳ | | مدل ۲ | | مدل ۱ | | عناصر رگرسیون و متغیرها |
|-----------|--------|-----------|--------|-----------|--------|-----------|--------|-------------------------|
| β | B | β | B | β | B | β | B | |
| - | ۱۹/۷۲۳ | - | ۲۰/۴۶۳ | - | ۱۹/۶۹۰ | - | ۱۷/۴۶۹ | مقدار ثابت |
| ۰/۶۷۸ | ۲/۷۲۹ | ۰/۶۲۶ | ۲/۵۲۱ | ۰/۶۵۴ | ۲/۶۳۰ | ۰/۵۸۲ | ۲/۳۴۲ | جنسیت |
| ۰/۳۴۲ | ۰/۷۲۴ | ۰/۳۴۰ | ۰/۷۱۸ | ۰/۳۰۳ | ۰/۶۴۰ | | | مذهب و ارزش‌های مذهبی |
| ۰/۲۵۶ | ۰/۲۰۷ | ۰/۲۳۵ | ۰/۱۸۹ | | | | | آداب و رسوم |
| ۰/۱۹۲ | ۰/۴۰۹ | | | | | | | سن |
| $d_0/۷۱۵$ | | $c_0/۶۹۱$ | | $b_0/۶۵۲$ | | $a_0/۵۸۲$ | | R |
| ۰/۵۱۱ | | ۰/۴۷۸ | | ۰/۴۲۶ | | ۰/۳۳۹ | | R ^۲ |
| ۰/۴۸۱ | | ۰/۴۵۴ | | ۰/۴۰۸ | | ۰/۳۲۹ | | ضریب تعیین تعدیل‌شده |
| ۱۶/۷۴۶ | | ۱۹/۸۴۷ | | ۲۴/۴۴۳ | | ۳۴/۳۴۰ | | مقدار F |
| ۰/۰۰۰ | | ۰/۰۰۰ | | ۰/۰۰۰ | | ۰/۰۰۰ | | سطح معنی‌داری |

با توجه به بتاهای حاصل‌شده، براساس جدول (۱۱) برای متولدان ۳۳ چهار متغیر جنسیت، مذهب و ارزش‌های مذهبی، آداب و رسوم و سن به ترتیب نقش مهمی در تبیین متغیر وابسته دارند که مقدار بتای مشاهده‌شده برای این چهار متغیر به ترتیب برابر با (۶۷/۸)، (۳۴/۲)، (۲۵/۶) و (۱۹/۲) است؛ یعنی هر یک از متغیرها، تأثیر متفاوتی بر جایی می‌گذارند. از مقایسه جداول (۱۰ و ۱۱) می‌توان این‌طور استنباط کرد که تحلیل رگرسیون برای پیش‌بینی متغیر وابسته گذار به ازدواج برای متولدان ۶۳ تا پنج گام پیش‌رفته است، این

در حالی است که همین تحلیل برای متولدان ۳۳ چهار مدل دارد؛ یعنی ۵۸/۸ درصد از تغییرات متغیر وابسته گذار به ازدواج در متولدان ۶۳ با پنج متغیر (جنسیت، تحصیلات، رسانه، سن و پایگاه اقتصادی- اجتماعی) تبیین می‌شوند و در متولدان ۳۳، ۴۸/۱ درصد از تغییرات متغیر وابسته گذار به ازدواج با چهار متغیر جنسیت، مذهب و ارزش‌های مذهبی، آداب و رسوم و سن تبیین می‌شوند.

محقق بنا به گمانه‌زنی‌ها و راهنمایی‌های صاحب‌نظران اقدام به بررسی دو متغیر دیگر؛ یعنی افراد و گروه‌های مرجع و هم‌سالان که ممکن است نگرش افراد به اشتغال و یا نگرش به ازدواج را تحت تأثیر قرار دهند کرده است و دلیل اشاره ضمنی به این عوامل و وارد نکردن آن‌ها در تحلیل رگرسیون این بوده که عوامل مذکور غالباً نگرش افراد به اشتغال را تحت تأثیر قرار می‌دهند؛ اما در واقعیت گذار به اشتغال تأثیری ندارند. نقش این دو متغیر، به‌خصوص افراد و گروه‌های مرجع بر زندگی نسل ۶۳ به مراتب از متولدان ۳۳ بالاتر است و این نشان از بازبودن حلقه روابط اجتماعی در نزد نسل امروزی دارد.

۷. نتیجه‌گیری و پیشنهادها

در گذشته روند حاکم بر گذار جوانان صورتی محدودشده، قابل انتظار و استاندارد داشت. آن‌ها به دلیل عمومیت نداشتن آموزش و تحصیلات، خیلی زود از نهاد خاص‌گرای آموزش جدا شده و با داشتن حداقل توان جسمانی وارد بازار کار می‌شدند. مقدمات ازدواج این جوان‌ها به محض رسیدن به سن ازدواج از طرف خانواده فراهم می‌شد. در این ازدواج‌ها، توجه به انتخاب و سلیقه افراد دارای کم‌ترین اهمیت بوده و انتخاب همسر هم اغلب توسط خانواده صورت می‌گرفت. می‌توان گفت که تمام جوانان نسل گذشته به دنبال بازآفرینی دنیای والدین خود بوده‌اند؛ به همین دلیل ازدواج را مرحله طبیعی گذار قلمداد کرده و با ارزش‌هایی مانند دوستی‌های آزادانه با جنس مخالف و خارج از چهارچوب زناشویی، به شکلی که اکنون رایج و زاییده دنیای مدرن است، مخالف بوده‌اند. اغلب

پاسخ‌گویان متولد ۳۳ یا نسل گذشته، اشتغال و ازدواج را به ترتیب اهمیت در صدر خواسته‌ها و نگرانی‌های مهم جوانان امروزه قرار می‌دهند. همان دو مقوله کلیدی که قبلاً معرف گذار به بزرگ‌سالی بود؛ اما امروزه می‌بینیم که جوانان به طور کامل از آن نظم سنتی پیروی نکرده و سبک زندگی آن‌ها تا حدودی متأثر از تنوع انتخاب‌ها و خلق ارزش‌ها و نگرش‌های جدید است. در پژوهش حاضر مشخص شد که اغلب جوانان به دلیل نداشتن افق و چشم‌انداز شغلی روشن به ادامه تحصیل رو آورده و ورود به بازار کار و ازدواج آن‌ها با تأخیر صورت می‌گیرد. آن سوی میدان، اقلیت جوانانی که به حمایت‌های خانواده دلگرم هستند، در انجام آزمایشی اعمال ریسک‌پذیرتر بوده و قدرت انتخاب بیشتری دارند. پروژه هویت‌یابی‌های فردی و جمعی و بازنگری در آن‌ها، پروژه‌ای ناتمام بوده؛ به همین دلیل ۴۸/۲ درصد جوانان بعد از شاغل شدن و ۲۵ درصد بعد از ازدواج سراغ ادامه تحصیل رفته بودند. هرچند که هنوز ازدواج مرحله‌ای طبیعی از مراحل گذار پنداشته می‌شود، می‌بینیم که ارزش‌های جدیدی چون روابط آزادانه با جنس مخالف و یا هنجارهای انحرافی‌ای مانند هم‌بستری در نزد جوانان نسل حاضر، به آن شدت گذشته حساسیت‌برانگیز نیست. این موضوع که تمایل کم‌تر جوانان به ازدواج نسبت به دیگر وقایع گذار، ناشی از محدودیت‌های ساخت‌دهنده است یا ظهور عادت‌واره‌های مدرن را می‌توان در اولویت‌بندی جوانان فهمید که ازدواج را بعد از ادامه تحصیل، اشتغال، برنامه‌ریزی برای آینده و حتی ثروتمند شدن قرار می‌دهند. در کل امروزه جوانان در گذار به بزرگ‌سالی در دوراهی تکرار مسیر والدین و خلق سبک‌های نوین‌تر گرفتارند. پس یا مسیرهای گذار را طولانی‌تر می‌کنند و یا در بین این مسیرها از یکی به دیگری بازمی‌گردند؛ طوری که حتی می‌توان از این گذارها، تحت عنوان گذارهای آشفته یاد کرد. از بحث‌های مطرح‌شده تا این‌جا می‌توان این‌طور استنباط کرد که جوانان دو نسل، گذارها را به نحو متفاوتی تجربه می‌کنند و همچنین، در اولویت‌بندی وقایع گذار با هم تفاوت دارند و این کاملاً هم‌سو با تحقیقات داخلی و خارجی صورت‌گرفته توسط تاج مزینانی (۱۳۹۰)، ذکائی (۱۳۸۶)، صالحی اصفهانی (۲۰۱۰)، مازوکو، منکارینی و

رتارولی (۲۰۰۶) و سراکانت (۲۰۱۱) است که نشان داده‌اند گذارها طولانی و برگشت‌پذیر شده و در ترتیب اهمیت آن‌ها چرخشی به وجود آمده است. سازه گذار به عنوان یک فرآیند اجتماعی تحت تأثیر عوامل مختلفی قرار می‌گیرند. در این پژوهش مشخص شد که تنها متغیر تأثیرگذار بر گذار شغلی متولدان ۳۳ حمایت خانواده بوده و در گذار به ازدواج این نسل فاکتورهایی؛ هم‌چون جنسیت، مذهب، آداب‌ورسوم و سن، به ترتیب نقش مهمی بازی می‌کنند؛ البته به جز این عوامل، می‌توان از تأثیر هنجاری و حلقه کنترل‌شده روابط اجتماعی (توسط خانواده) هم‌چون هم‌سالان گفت که نشان می‌دهند در نسل گذشته، نهاد خانواده و چهارچوب‌های دست و پاگیر و ارزشی زمانه بر بسیاری از امور جوانان سایه می‌افکند؛ اما در دنیای امروز فشار هنجاری هم‌سالان و گروه‌های مرجع که در گذشته تحت کنترل خانواده بودند، تا حدودی اقتدار خانواده را تحت تأثیر قرار داده و به کوچک‌شدن حوزه خصوصی خانواده انجامیده و به عنوان حلقه‌های روابط اجتماعی نقشی مداخله‌جویانه در سیر زندگی افراد دارند؛ گرچه امروزه جوانانی که از حمایت خانواده و یا از پشتوانه مالی لازم برخوردارند، در ورود به بازار کار راه آسان‌تری را پیش رو دارند؛ اما در نهایت انتخاب خود افراد و شاید در برخی موارد نگرش‌هایی که از طرف گروه‌های مرجع و هم‌سالان شکل می‌گیرند، تعیین‌کننده خواهند بود. به جز حمایت خانواده، می‌توان به ترتیب اهمیت از جنسیت، رسانه، مذهب و تحصیلات، نام برد که متغیر وابسته گذار شغلی متولدین ۶۳ را پیش‌بینی کرده‌اند و مؤلفه گذار به ازدواج این نسل با زمینه‌هایی هم‌چون جنسیت، تحصیلات، رسانه‌ها، سن و پایگاه اجتماعی - اقتصادی تبیین می‌شوند و سرانجام متوجه می‌شویم که عوامل و زمینه‌های تبیین‌کننده گذار شغلی و خانوادگی دو نسل با هم تفاوت دارند.

۱.۷. محدودیت‌ها و پیشنهادهای پژوهشی

محدودیت‌هایی که سر راه این پژوهش بوده‌اند به شرح زیر بیان می‌شوند:

اول این که ممکن است با پیمایشی این‌چنینی نتوان به عمق موضوعات و تحولات مربوط به گذارهای مختلف پرداخت. از این رو، در مطالعات بعدی، بسیار مفید خواهد بود که ترکیبی از پیمایش و روش‌های کیفی نظیر مصاحبه، واقع‌نگاری، مطالعات مردم‌نگارانه و غیره به کار گرفته شود تا پژوهش دقت لازم را داشته باشد.

دوم این که عوامل ساخت‌دهنده را می‌توان به عنوان مجموعه الگوها و قواعد رفتاری درهم تنیده و به هم وابسته‌ای در نظر گرفت که فراتر و گسترده‌تر از آن هستند که بتوان آن‌ها را در قالب عناصر و اجزای مشخصی بیان کرده و به بررسی گذاشت. از این رو، شاید در مطالعه حاضر تمامی عوامل بررسی نشده باشند.

سوم این که ممکن است گذارهای مختلف در همه مکان‌ها روند مشابهی نداشته باشند. بنابراین، بهتر است مطالعاتی شبیه این مطالعه و یا جامع‌تر از آن در سایر شهرها و مکان‌های بزرگتر صورت گیرد تا بتوان به نتایج و سیاست‌های کلی‌تری در خصوص تحصیلات، اشتغال، ازدواج و وضعیت اقامت جوانان دست یافت و آن را در برنامه‌ریزی‌های کلان و یا خرد مدنظر قرار داد.

چهارم این که در مطالعه حاضر، دو نسل فاصله سنی زیادی با هم دارند به همین خاطر ممکن است برخی از تفاوت‌ها در مواضع گذار به دلیل همین اختلاف زیاد سنی دو نسل باشد؛ پس بسیار مناسب‌تر خواهد بود که در پژوهش‌های دیگر دو نسل سنی نزدیک به هم را انتخاب کنیم، حتی اگر مجبور باشیم برای گردآوری اطلاعات از استراتژی‌های پژوهشی دیگری به جز پیمایش بهره ببریم.

کتاب‌نامه

۱. تاج مزینانی، ع. ا. (۱۳۹۰). *مرور ادبیات درباره وضعیت جوانان در ایران و تعیین موضوعات اولویت‌دار در ارتباط با جوانان کشور*. تهران: نشر نمایندگی یونیسف در ایران.
۲. دفتر آمار و اطلاعات و GIS استانداری کردستان. (۱۳۹۲). *نتایج تفصیلی سرشماری عمومی نفوس و مسکن ۱۳۹۰ شهرستان دهگلان*. دفتر آمار و اطلاعات و GIS استانداری کردستان.

۳. دفتر آمار و اطلاعات و GIS استانداری کردستان. (۱۳۸۸). نتایج تفصیلی سرشماری عمومی نفوس و مسکن ۱۳۸۵ شهرستان دهگلان: دفتر آمار و اطلاعات و GIS استانداری کردستان.
۴. ذکائی، م. س. (۱۳۸۱). گذار به بزرگسالی و جوانی رو به تغییر. *مجله جامعه‌شناسی ایران*. ۴ (۳)، ۳-۲۷.
۵. ذکائی، م. س. (۱۳۹۰). *جامعه‌شناسی جوانان ایران*. چاپ چهارم. تهران: نشر آگه.
۶. ذکائی، م. س. (۱۳۸۶). *فرهنگ مطالعات جوانان*. تهران: نشر آگه.
۷. ذکائی، م. س. و ولی‌زاده، و. (۱۳۸۸). *فرهنگ جوانان و تلفن همراه. تحقیقات فرهنگی*، ۲ (۷)، ۱۱۹-۱۵۲.
۸. ریتزر، ج. (۱۳۷۴). *نظریه جامعه‌شناسی در دوران معاصر*. (م. ثلاثی، مترجم). تهران: انتشارات علمی.
۹. صدق‌آمیز حقیقی، م. م. (۱۳۸۹). *بررسی تحولات ساختاری و ارزشی گذار جوانان به بزرگسالی*. پایان‌نامه منتشر نشده کارشناسی ارشد، دانشگاه علامه طباطبایی. تهران، ایران.
۱۰. کولز، ب. (۱۳۹۱). *جوانان از کتاب مرجع سیاست‌گذاری اجتماعی*. گردآورندگان: پیت الکاک، مارگارت می و کارن راولینگسون. (ع. ا. تاج‌مزیبانی، م. قاسمی و م. قلیچ، مترجمان). تهران: انتشارات دانشگاه امام صادق (ع).
۱۱. والاس، ک و کواچوا، س. (۱۳۸۰). *جوانان در جامعه شکل‌گیری و فروپاشی جوانی در اروپای شرقی و غربی*. (ع. ا. تاج‌مزیبانی، مترجم). تهران: نشر اسپید.
12. Beck, U. (2013). *An introduction to the theory of Second Modernity and the Risk Society*. New York: Routledge, Taylor & Francis group.
13. France, A. (2007). *Understanding Youth in Late Modernity*. UK: Open University Press.
14. Furlong, A. Woodman, D. Wynn, J. (2011) *Changing times, changing perspectives: Reconciling transition and cultural perspectives on Youth and young adulthood*. *Journal of Sociology*, 47(4), 355- 370.
15. Katus, K. Puur, A. Sakes, L. (2005). *Transition to adulthood in Estonia*. Blossfeld, H. P. Klijzing, E. Mills, M. Kurz, K. (Eds). London and New york: Taylor & Francis group.
16. Locke, C. & Telintelo, D. J. (2012). *Young Zambians waiting for Opportunities and Working towards Living Well: Lifecourse and Aspiration in youth Transition*. *Journal of International Development*, 24, 777° 794.

17. Mazzuco, S. Mencarini, L. Rettaroli, R. (2006). *Similarities and Differences between two cohorts of Young adults in Italy*. Germany: Demographic Research, 15 (5), 46- 105.
18. Miles, S. (2000). *Youth Lifestyles in a Changing World*. Bennett, A. Cieslik, M. Miles, S. (Eds) New York: Palgrave Macmillan Publications.
19. Mills, M. (2005). *Globalization, Uncertainty and Youth in Society* "Blossfeld, H. P. Klijzing, E. Mills, M. Kurz, K. (Eds). London and New York: Taylor & Francis group.
20. Monahan, K. Steinberg C, L. Kauffman, E. (2009). *Affiliation With Antisocial Peers, Susceptibility to Peer Influence, and Antisocial Behavior During the Transition to Adulthood*. *Journal of Development Psychology Research*. 45 (6): 1520- 1530.
21. Roberts, S. (2011). *Considering the Missing Middle of Youth Transition Studies*. *Journal of Youth Studies*, 14 (1), 21- 39.
22. Salehi Isfahani, j. (2010). *Iranian Youth in Times of Economic Crisis*. *Journal of Iranian Studies*. 44 (6), 789- 806.
23. Serracant, P. (2011) *Changing youth? Continuities and Ruptures in Transitions into Adulthood among Catalan Young People*. *Journal of Youth Studies*, 15 (2), 161- 176.
24. Tomanovi S. Ignjatovi S. (2006). *Attitudes on Transition to Adulthood among Young People in Serbia*. *Institute of Social Sciences Belgrade*, 8 (1), 55- 72.